

وحدت وجود

در

حکمت متعالیه صدرالمتهلین شیرازی (ره) (قسمت اول)

بهزاد مرتضایی - گروه علوم اسلامی

مقدمه

عالمان و اندیشمندان از این جهت به یک نظریه فلسفی گرایش پیدا می‌کنند که خلاصه علمی احساس شده‌ای را پرکنند و به عبارت دیگر ذهن آنها با مسائلی روبرو می‌شود که با نظریات قبلی قابل توجیه و تبیین نیست. مسأله وحدت‌گرایی انسان که از آغاز تاریخ تفکر او را به خود مشغول کرده است، ریشه در فطرت و نهاد انسان دارد که تمایل دارد کثرات را به وحدت ارجاع دهد، سرچشمه این عامل درون انسان است. در مسأله وحدت، جنبه‌های مختلفی وجود دارد و علت طرح چنین بحث‌هایی سوالات مختلفی است که در زمینه‌های مختلفی پیرامون وحدت، مطرح می‌شود. وجه مشترک تمامی زمینه‌ها، ارجاع کثرت‌ها به وحدت است. آنچه که

در این مقاله پیرامون وحدت گفته خواهد شد، ناظر به یک بحث سه جانبه‌ای است که بین فیلسوفان، متکلمان و عارفان مشترک می‌باشد. اگر چه ممکن است در اصل مطلب با یکدیگر اختلافاتی داشته باشند. ولی می‌توان گفت در حوزه اسلام، وجه مشترک این سه گروه در واقع مسأله خدا بوده است.

اگرچه در فلسفه، یکی از مسائل وجود، مسأله وحدت و کثرت وجود است ولی یکی از نتایجی که از این بحث گرفته می‌شود این است که مبدأ و منشأ عالم هستی وجود مطلق است و چون وجود واحد است پس این مبدأ و منشأ نیز واحد است. اختلافی که در بین فیلسوفان در زمینه وحدت واجب‌الوجود است، مربوط به وحدت شخصی یا وحدت تشکیکی وجود است. بنابر این می‌توان گفت سؤال مشترک فیلسوفان و عارفان و متکلمان این است که چه ارتباطی بین خداوند و مخلوقاتش است. آیا اینها از دو گونه وجود برخوردارند یا اینکه یک وجود است که به صورتهای گوناگون متجلی شده، اگر دو وجود است چه ارتباطی بین آنها هست و اگر یک وجود است چگونه در آن کثرت ایجاد شده است. وحدت وجود را اگر به معنای همه خدایی و یا رابطه خدا با سایر موجودات در نظر بگیریم سابقه طولانی در اندیشه فلسفی و عرفانی انسان دارد. برای نمونه آرای اسپینوزا و اوپانیساده‌ها، که تعریف وحدت وجود را می‌توان از آنها بیرون کشید. پروفیسور ابراهام ولف در مقاله‌ای که برای دایرةالمعارف بریتانیکا نوشته، می‌گوید:

«وحدت وجود، در فلسفه و الهیات، نظریه‌ای است که خداکل است و کل خداست، جهان آفریده‌ای متمایز از خدا نیست، خدا جهان است و جهان خداست...»^۱

در هر حال نظریه‌های مختلف وحدت وجود به معنای عام کلمه در این نکته با یکدیگر مشترک هستند که موضوع سخن آنها بحث پیرامون اصل و فرع عالم هستی است و اینکه چه رابطه‌ای بین این اصل و فرع وجود دارد.

در میان دانشمندان اسلامی، و خصوصاً بین فیلسوفان، در مسأله وحدت وجود تا قبل از صدرالمتألهین اختلاف نظرهایی وجود داشته است. اگر چه بحث‌های این دسته از فیلسوفان

بیشتر جنبه فلسفی داشته است ولی نتایجی که از بحث‌های خود گرفته‌اند در پاسخ به سؤال از رابطه خداوند و عالم هستی و اینکه آیا در وجود مشترک هستند یا نه، اختلاف دارند که با ظهور صدرالمتالهین وی این آرای مختلف را با یکدیگر ترکیب می‌کند و نظریه مقبولی را مطرح می‌کند.

گروه دیگری از اندیشمندان اسلامی، متکلمین هستند، که موضوع اصلی این گروه مسأله دین بود و اینکه، مواد و منابع و استدلال‌هایی پیدا کنند که تایید نظریه توحید دینی باشد. بنابر این عمده بحثها حول محور توحید و جوانب مختلف آن بود و می‌توان گفت بحث وحدت وجود در اینجا کاملاً صبغه دینی و مذهبی داشت، بین گروه‌های مختلف کلامی نیز در مسأله توحید و وحدت وجود اختلاف نظرهایی بوده است که در این مقاله امکان بیان آنها نیست. در بین عارفان این مسأله دو تعبیر دارد، یکی وحدت شهود است و دیگری وحدت وجود. منظور از وحدت شهود این است که عارف در سیر و سلوک خود به جایی می‌رسد که به جز ذات حق، چیز دیگری را شهود نمی‌کند. اما منظور از وحدت وجود عرفانی این است که در عالم هستی بجز یک حقیقت واحده که همانا خداوند متعال باشد هیچ حقیقت دیگری وجود ندارد. عالم هستی که عارفان از آن تعبیر به ماسوی‌الله می‌کنند عبارت است از تجلی و ظهورات آن حقیقت واحده. بنابراین از دیدگاه عارفانی همچون محی‌الدین بن عربی، وجود، متصف به وحدت شخصی می‌باشد. این آراء مختلف فیلسوفان و متکلمین و عارفان در مورد وحدت وجود، با اختلافات زیادی که با یکدیگر دارند در فلسفه صدرالمتالهین تبدیل به یک جریان واحد می‌شوند. صدرالمتالهین که شهرت او در تلفیق و ترکیب نظریات اندیشمندان قبلی است از این تلفیق و ترکیب، نتایج بسیار مقبولی را در حوزه فلسفه، عرفان و کلام می‌گیرد. در فلسفه، سه ابتکار صدرالمتالهین یکی مسأله اصالت وجود است دیگری حرکت جوهری و یکی هم طرح جدیدی از نظریه وحدت وجود می‌باشد. این سه مسأله در سرتاسر مسائل فلسفی و دینی و عرفانی صدرالمتالهین حضور دارد و حلال بسیاری از مشکلات فلاسفه و متکلمین قبل از وی می‌باشد.

مسأله وحدت وجود در کتب و آثار صدرالمتالهین بطور پراکنده آمده است و به اقتضای موضوع مورد بحث، بحث وحدت وجود نیز به میان آمده است. عمده مواردی که وی در

مورد وحدت وجود بحث کرده است، یکجا در جلد اول اسفار و دیگری در جلد ششم اسفار است. ما در این مقاله تلاش کردیم که موارد پراکنده را به همراه توضیح و تشریح در ضمن سه قسمت بیان کنیم.

قسمت اول: مبانی و مقدمات وحدت وجود

قسمت دوم: استدلالهای وحدت وجود

قسمت سوم: بررسی اجمالی و مقایسه‌ای اندیشمندان عصر جدید پیرامون نظریه وحدت وجود صدرالمتألهین و نهایتاً نتیجه‌گیری از بحث.

مبانی و مقدمات

از آنجا که نظریه صدرالمتألهین بر مقدماتی مبتنی است که بدون آن مقدمات، فهم این نظریه مشکل است و با توجه به تاثیری که این نظریه در بسیاری از مباحث کلامی، فلسفی و ... داشته است، ناچار به مبانی و پایه‌های این نظریه اشاره می‌شود. همانطور که گفته شد این سبک بیان در مورد حقیقت وجود اختصاصاً متعلق به صدرالمتألهین (ره) است. این وحدت وجود اگرچه نشأت گرفته از وحدت وجود عارفان است، ولی تبیین بسیار دقیق فلسفی آن و هم چنین مقدمات و مبانی فلسفی و عقلی آن توسط وی طرح و ارائه شده است.

مقدماتی که باید برای توضیح مسأله وحدت و کثرت وجود عرضه شود عبارتند از:

۱- اصالت وجود ۲- اشتراک معنوی وجود ۳- بساطت وجود

۴- تمایز موجودات ۴- تبیین کثرت موجودات

۱- اصالت وجود

در میان مسائل وجود از همه مهمتر و موثرتر در سرنوشت فلسفه و کلام اسلامی، اصالت وجود است که در مقابل اصالت ماهیت مطرح است. البته اصالت وجود در فلسفه اسلامی غیر از اصالت وجود در فلسفه‌های اگزیستانسیالیستی است که در مورد انسان است، و نه در مورد کل عالم هستی.

اصالت وجود در تاریخ فلسفه اسلامی، مسأله جدیدی است که تا زمان میرداماد به این

سبک و تقریر امروزی مطرح نبوده است، نه تنها مسأله اصالت وجود بلکه بسیاری از مسائلی که در فلسفه اسلامی مطرح است. در فلسفه یونان قدیم مطرح نبوده است. مراد از اصالت وجود در مقابل اصالت ماهیت این است که وقتی واقعیتی از واقعتهای خارجی در ذهن منعکس می‌شود، ذهن این واقعیت را به دو جزء تحلیل می‌کند و دو مفهوم می‌سازد، یکی مفهوم وجود، دیگری مفهوم ماهیت، اکنون سؤال این است که کدامیک از این دو مفهوم واقعاً در خارج مابأزا دارد و آن امری که در خارج تحقق دارد مصداق کدامیک از این دو مفهوم است و کدامیک ساخته ذهن و اعتباری است. اگر این دو مفهوم در ذهن غیر از یکدیگرند چگونه در خارج متحد می‌شوند؟ در پاسخ به این سؤالات اولین کسی که بطور صریح نظراتی ابراز نموده است شیخ شهاب‌الدین سهروردی، مشهور به شیخ اشراق است. وی در کتاب حکمة الاشراق دلایل زیادی بر اعتباری و انتزاعی بودن وجود اقامه می‌کند. پس از شیخ اشراق در کتابهای میرداماد این مسأله دیده می‌شود و در این عصر است که رسماً بحث اصالت و اعتباریت وجود مطرح می‌شود و میرداماد صریحاً از اصالت ماهیت دفاع می‌کند. پس از میرداماد نوبت به شاگردش صدرالمتألهین (ره) می‌رسد. وی در آغاز پیرو نظریه استاد خود میرداماد و طرفدار اصالت ماهیت بود، اما بعدها دریافت که با این مبنا بسیاری از مسائل فلسفی و کلامی لاینحل باقی می‌مانند و لذا بنا به دلایل بسیار قوی از اصالت ماهیت دست کشید و اصالت وجود را ثابت کرد. در میان مسائل فلسفه اسلامی اصالت وجود و وجدت وجود از مسائل محوری است که سایر مسائل فلسفه مانند مباحث علیت، وجود ذهنی، بحث جعل، امکان و وجوب، تقریر تازه می‌یابند و در واقع بهترین توجیه و تفسیر را پیدا می‌کنند. صدرالمتألهین در مهمترین اثر خود یعنی کتاب اسفار اربعه تنها به ذکر چند استدلال در خصوص اصالت وجود می‌پردازد ولی در کتاب المشاعر این دلایل به هشت دلیل افزایش می‌یابند. مرحوم حاج ملاهادی سبزواری (ره) که از پیروان حکمت متعالیه است، مجموعه این دلایل را در کتاب شرح منظومه خود آورده است. در اینجا برای رعایت اختصار فقط عنوان استدلالها طرح می‌شود. خوانندگان محترم برای اطلاع بیشتر می‌توانند به کتابهای فلسفی مراجعه کنند.

دلایل اصالت وجود

- ۱ - منبع هر شرف و خیری وجود است، پس باید اصیل هم وجود بوده باشد.
 - ۲ - ماهیت در ذهن و خارج فرقی ندارد در حالی که ماهیت موجود در خارج، منشأ اثر است، پس اصالت از آن وجود است.
 - ۳ - در علت نسبت به معلول سبق و تقدم لازم است، در حالی که در ماهیت تشکیک قابل قبول نیست پس اصالت مربوط به وجود است.
 - ۴ - در مورد اشتداد، مراتب اشتداد، انواع متخالفند و چون اشتداد، حرکت است و هر حرکتی چون حقیقت متصلی است، به بی نهایت قابل تقسیم است. با فرض اصالت ماهیت باید انواع غیر متناهی، بالفعل، محصور بین حاصرین، یعنی مبدأ و متنها باشد و این محال است.
 - ۵ - از آن جهت که ماهیت من حیث هی لیست الاهی، پس عامل خروج از حالت استواء نسبت به وجود و عدم، باید وجود باشد و این در صورتی است که وجود اصیل باشد.
 - ۶ - بر فرض اصالت ماهیت، وحدتی در عالم تحقق نمی یابد، چون ماهیات ذاتاً متغایر و منشأ کثرت اند، و لازمه آن عدم صحت حمل است، به خاطر عدم وجود وحدت میان موضوع و محمول و همینطور اشکالاتی در توحید ذات و صفات و فعل واجب پیش می آید.
- بنابراین دلایل، وجود اصیل است و ماهیت اعتباری و با این استدلال ما به نتیجه دیگری می رسیم و آن اینکه غیر وجود بواسطه وجود، تحقق می یابد و غیر از وجود در دار هستی چیز دیگری نیست که بخواهد وجود را تحدید کند و یا با آن شریک باشد. بنابر این هر آنچه هست وجود است و غیر وجود یا عدم است و یا انتزاع ذهن که همان ماهیت باشد که اعتباری است. نتیجه اینکه در وجود ترکیبی نیست و وجود یک واقعیست بسط بدون اجزاست و از اینجا ما وارد مقدمه دوم می شویم که نتیجه منطقی اصالت وجود است؛ یعنی بساطت وجود.

بساطت وجود

با قبول اصالت وجود، جاعلیت و مجعولیت، شدت و ضعف، تقدم و تاخر و آنچه خارج از ذات ماهیات است، در حقایق وجودیه است و وجود مبدأ همه حقایق است و ماهیات توسط

وجود و اتحاد با آن مبدأ اثر و مصداق بالذات برای مفاهیم می‌باشند. خلاصه اینکه با قبول اصالت وجود این نتیجه گرفته می‌شود که تغایر وجود و ماهیت جنبه ذهنی دارد و آنچه که ملاخارج را پر کرده است، «وجود» است، چون غیر از وجود چیز دیگر تأصل و تحقق ندارد پس حقیقت وجود یک حقیقت واحده بسیطی است. بنابر این یک حقیقت است که آن حقیقت وجود باشد و چیز دیگری در عالم هستی تأصل و تحقق ندارد، اما منظور از این حقیقت وجود، تعبیرهای مختلفی می‌تواند داشته باشد. یکی اینکه بگوئیم وحدت حقیقت وجود یک وحدت شخصی است بدین معنی که وجود واحد شخصی است و واحد شخصی همان وجود حق تعالی است بقیه موجودات در واقع سایه این حقیقت هستند؛ این تعبیر، تعبیر عرفانی است و در بین عرفا مشهور است اما فلاسفه نظر دیگری دارند. آنها معتقدند که اگر چه وجود یک حقیقت واحده بسیطی است اما انحصار در یک شخص ندارد. بلکه یک حقیقت واحده ذو مراتب است و حقیقت وجود عبارت است از کل مراتب وجود با کثرات وجودیه‌ای که دارند. نتیجه‌ای که صدرالمتألهین از بساطت وجود می‌گیرد این است که غیر وجود، عدم است و عدم راه ورود به وجود نیست چون عدم، نابودی محض است پس فقط وجود است و با چیز دیگری ترکیب نشده است چون چیز دیگری وجود ندارد. پس حقیقت وجود، جنس و فصل ندارد و چون برای حقیقت وجود صورتی که در ذهن بگنجد نیست، حقیقت وجود نه کلی است نه جزئی، نه عام است و نه خاص، نه مطلق است و نه مقید، بلکه این اوصاف و عنوانها لازمه درجات و مراتب وجود هستند و یا لازمه ماهیت و عوارض ماهیات که به وسیله وجود موجود می‌گردند و حقیقت وجود در حد ذات خویش امری بسیط است که برای او نه جنسی است و نه فصلی و در تحقق او چه در خارج و چه در ذهن نیازی به انضمام قیدی از جنس فصول یا از جنس و اعراض و یا امری که او را به دو گونه تقسیم کند یا متعین و مشخص سازد، ندارد.

تمایز بین موجودات

پس اگر حقیقت وجود یک حقیقت بسیط و واحد است، چگونه بین موجودات اختلاف و تمایز است. ملاصدرا در این مورد معتقد است که تمایز موجودات از یکدیگر به وسیله عاملی خارج از وجود نیست و برای توضیح نظریه خود از تمایز تشکیکی استفاده کرده است. برای

روشن شدن موضوع ناچار از طرح اقسام تمایز خواهیم بود تا مشخص شود منظور از تمایز تشکیکی که در بین موجودات تحقق دارد، چیست.

تمایز به معنی جدایی دو شیء از یکدیگر، در وجود یا در عقل، یا به تمام ماهیت آنهاست مانند تمایز مقولات با یکدیگر یا به بعضی اجزاء ذات و ماهیت است مانند تمایز انواع با یکدیگر که مشترک در یک جنس هستند و یا به عوارض خارج از ذات است مانند تمایز افراد یک نوع. این سه قسم تمایز میان حکمای سابق بر ملاصدرا مطرح بوده است، اما نوع دیگری از تمایز که صدرالمتهلین آن را به حکمای اشراقی نسبت می‌دهد که از آن سه نوع تمایز فوق نیست بلکه از یک نوع خاصی است که فلاسفه اشراقی این نوع تمایز را در ماهیت از حیث کمال و نقص جاری می‌دانستند و معتقد بودند که ماهیت بماهی دارای مراتبی از کمال و نقص است. صدرالمتهلین این نوع تمایز را از حکمای اشراقی می‌پذیرد اما قول به وجود چنین تمایزی را در ماهیات جایز نمی‌داند. شیخ اشراق این نظریه را از حکمای ایران باستان گرفته است. آنان به نوعی اختلاف و تمایز در نور قائل بودند که به تمام ذات بود و نه به اجزای ذات و نه به امور خارج از ذات، بلکه اختلاف بواسطه مراتب یک حقیقت واحد است یعنی وجه امتیاز همان عامل اشتراک است. شیخ اشراق این نوع از اختلاف را در ماهیت جاری می‌داند از این جهت که او قائل به اصالت ماهیت و اعتباری بودن وجود، و معتقد است این نوع اختلاف و تمایز به نقص و کمال است و نقص و کمال در ماهیت اشیا را یکی از انواع آشکار تمایز و تفاوت میان آنها بشمار می‌آورد و معتقد است که حتی در مقوله جوهر همه گونه‌های تشکیک، مانند تقدم و تأخر، شدت و ضعف و کمال و نقص تحقق پذیر است. اما صدرالمتهلین از آنجا که مبنای فلسفه‌اش بر اصالت وجود است، تفاوت تشکیکی را در مورد وجود صادق می‌داند، اما از آنجا که تشکیک معانی متفاوتی دارد، ضروری است توضیحی پیرامون اقسام آن داده شود. حکما، تمایز تشکیکی را به انواعی تقسیم نموده‌اند:

الف. تشکیک عامی: آنگونه تمایز تشکیکی است که مافیہ‌التفاوت خود آن طبیعت بشمار نمی‌آید مانند اختلاف میان نور خورشید و نور ماه که تفاوت در طبیعت نور است ولی عامل تفاوت در خصوصیات جسمانی ماه و خورشید نهفته است.

ب. تشکیک خاصی: آنگونه تمایز تشکیکی است که مابه‌التفاوت عین مافیہ‌التفاوت

بوده و هیچگونه عامل دیگری در آن دخالت نداشته باشد، برای مثال زمان بیک حقیقت مشکک است که مافیه التفاوت چیزی جز مابه‌التفاوت نیست. تقدم و تاخر زمانی اگر چه در خود زمان واقع می‌شود ولی عامل تقدم و تاخر زمانی نیز خود زمان است. حکمای ایران باستان این نوع تفاوت را در نور جاری می‌دانستند و صدرالمتهلین معتقد است که این نوع تشکیک در حقیقت وجود جاری است. برای تحقق چنین تشکیکی شرایطی لازم است که بطور مختصر ذکر می‌شود:

۱- وحدت وجود داشته باشد حقیقتاً. ۲- کثرت وجود داشته باشد حقیقتاً.

۳- در متن خارج، آن وحدت در این کثرت ظهور داشته باشد ظهوری حقیقی.

۴- در خارج، بازگشت و انطوای این کثرت در آن وحدت و به آن وحدت باشد انطوایی

حقیقی

حاصل کلام اینکه صدرالمتهلین این نوع تمایز تشکیکی را در وجود جاری می‌داند و بوسیله این نظریه به بسیاری از معضلات فلسفی خاتمه بخشیده است. وی معتقد است وجود، حقیقت خارجی‌ای است که تباین در آن نیست بلکه ذاتاً واحد است. وحدتی که عین کثرت است و کثرتی که به وحدت باز نگردد، نظیر آنچه که در باب کثرت ماهوی گفته می‌شود، چون ماهیت مثار کثرت است لذا کثرت ماهوی کثرت مفهومی است و هرگز بازگشتی به وحدت ندارد و فرق است بین وحدت تشکیکی و وحدت ماهوی. وحدت تشکیکی یعنی خود وحدت عین کثرت باشد، یعنی چون آن حقیقت واحد بسیط است، پس کثرت آن به همان جهت وحدت باز می‌گردد. بنابر این حقیقت وجود هم وحدتش از خودش است و هم کثرتش ولی ماهیت بوسیله غیر متکثر می‌شود ولی وحدتش از آن خودش است و علل و عوامل بیرونی آن را تکثیر می‌کنند و هر عاملی بیرونی قیدی را به آن ضمیمه می‌کند و از اینجا تقسیم بر می‌خیزد، در حالی که در سلسله وجود تشکیک هست. چون ما یک کثرتی می‌یابیم که به وحدت بر می‌گردد مثل کثرت علت و معلول، کثرت قوه و فعل، کثرت ثابت و سیال، کثرت مجرد و مادی و اینها کثرت‌هایی نیستند که از ناحیه ماهیت برخاسته باشند و نظیر کثرت شجر و حجر، انسان و ستاره و... باشد بلکه از سنخ کثرات وجودی است که به وحدت بر می‌گردد زیرا علت و معلول اگر چه حقیقتاً دو چیزند اما در عین حال حقیقتاً واحدند یعنی یک حقیقت وجود است

که مرحله قوی آن علت است و مرحله ضعیف معلول است. علت و معلول هم بلحاظ وجود از یکدیگر متمایزند و کثرت دارند زیرا کمال وجودی که در علت هست و موجب امتیاز علت از معلول است جز امر وجودی چیز دیگری نیست.

استدلای وحدت وجود

اثبات وحدت حقیقت وجود (از طریق) اشتراک معنوی مفهوم وجود.

اشتراک معنوی در مقابل اشتراک لفظی است، منظور از اشتراک معنوی وجود در اینجا این است که وجود در تمام مواردی که اطلاق می‌شود از واجب و ممکن، مجرد و مادی، دارای معنی و مفهوم واحدی است. فیلسوفان اسلامی این مسأله را در پاسخ به نظرات عده‌ای از متکلمان اسلامی آورده‌اند که معتقد بوده‌اند مفهوم وجود در مورد خداوند غیر از معنا و مفهومی است که در مورد مخلوقات بکار می‌رود. فلاسفه گفته‌اند که اگر معنا و مفهومی باشد که در مورد مخلوقات بکار می‌رود، لازمه‌اش این است که قائل به تعطیل شناخت خداوند شویم و برای اثبات مدعای خود یعنی اشتراک معنوی وجود دلایل بسیار زیادی آورده‌اند. مرحوم حاج ملاهادی سبزواری (ره) مجموعه دلایل را به پنج دلیل به صورت نظم در آورده است.

خلاصه و ترجمه کلام مرحوم سبزواری را می‌توان بدین صورت تقریر نمود:

- ۱- وجود، به واجب و ممکن، و جوهر و عرض و ... تقسیم می‌شود و بدیهی است که مقسم باید در اقسام مشترک باشد.
- ۲- در مفهوم عدم هیچگونه اختلاف و تمایزی نیست، وجود هم که نقیض عدم است، اگر معنای واحدی نداشته باشد ارتفاع نقیضین لازم می‌آید.
- ۳- اگر در مورد اعتقاد ما، نسبت به تعینی از تعینات وجود مرتفع شود، اعتقاد ما در اصل وجود به حال خود باقی مانده و مرتفع نمی‌گردد.
- ۴- در صورت عدم قبول اشتراک معنوی وجود، باید وجود در مورد واجب، معنی دیگری داشته باشد اگر آن معنی دیگر عدم باشد لازم آید واجب معدوم باشد و اگر معنای نامعلومی داشته باشد، لازمه‌اش تعطیل عقول از معرفت واجب است.

۵- اگر وجود را در چند شعر قافیه قرار دهیم موجب ایضا یعنی تکرار قافیه می‌شود که از عیوب فن بلاغت است و اگر وجود مشترک لفظی بود باید به عنوان تجنیس در قافیه از محسنات بدیعی بشمار می‌رفت.

از اثبات این مقدمه یعنی اشتراک معنوی وجود در استدلالهای اثبات وحدت وجود استفاده خواهد شد که یکی از دلایل مبتنی بر همین اشتراک معنوی وجود است. اما اصل دلیل، همانطور که قبلاً گفته شد، وجودهای خارجی دارای وصف کثرت هستند و ناچار مابه‌الامتیازی خواهند داشت و دیگر اینکه مابه‌الامتیاز آنها با مابه‌الاشتراکشان مغایر نخواهد بود و همه آنها در عین کثرت دارای مابه‌الاشتراکی هستند که نه منافاتی با بساطتشان دارد و نه با کثرتشان.

دلیل اول در اثبات چنین مطلبی مبتنی بر اثبات مابه‌الاشتراک عینی بین واقعیت‌های خارجی است. تقریر دلیل این است: از آنجا که صدرالمتالهین مفاهیم را مرآت حقایق خارجی می‌داند و معتقد است که خاصیتی که یک مفهوم دارد ناشی از مصداق آن است و از آنجا که مفهوم وجود، یک مفهوم مشترک معنوی است که بصورت مشکک بر حقایق خارجی صدق می‌کند، در واقع خاصیت وحدت این مفهوم و تشکیکی بودن آن ناشی از وحدت تشکیکی حقیقت وجود است. این مسأله که مفهوم وجود و به صورت مشترک معنوی بر مصداقش حمل می‌شود در فلسفه ارسطو نیز مطرح بوده است. اما مطلبی که ملاصدرا در اینجا اضافه می‌کند این است که نه تنها مفهوم وجود دارای وحدت تشکیکی است بلکه حقیقت وجود نیز دارای وحدت تشکیکی است. مطابق فلسفه صدرالمتالهین از آنجا که اصالت از آن وجود است و آنچه در ذهن ما هست مفهوم وجود است و چون مفهوم وجود ماهیت حقیقت وجود نیست بلکه مرآت و حاکی از حقیقت وجود است و این مرآت وحدت تشکیکی دارد پس حقیقت وجود نیز دارای وحدت تشکیکی است؛ به عبارت دیگر از آنجا که مفهوم وجود همانند مفاهیم ماهوی نیست که داخل در حقیقت اشیاء باشد.

بلکه صرفاً مرآت و حاکی از حقیقت‌های خارجی هستند. صدرالمتالهین در توضیح این مطلب در جلد ۶ اسفار مطالبی دارد که خلاصه و تقریر آن بدینگونه است: از آنجا که همه وجودهای خاص در مفهوم عام وجود شریکند و این مفهوم واحد از همه آنها انتزاع شده است

و از آنها حکایت می‌کند و چون مفهوم واحد را از حقایق گوناگون نمی‌توان انتزاع نمود زیرا مفهوم واحد از حقایق متباین حکایت نمی‌کند ناچار همه آن مصداقها باید در سنخ وجود و حقیقت آن شریک باشند. بنابر این چون اولاً ما یک معنای واحد را از وجودات خاص می‌فهمیم و همه مصادیق تحت این یک معنا مندرج هستند و ثانیاً انتزاع یک مفهوم از امور متباین امکان‌پذیر نیست، پس وجودات خارجیه دارای حقیقت مشترکی هستند و هرگز با هم متباین نیستند. ثانیاً چون این مصادیق در حقیقت وجود با هم مشترک هستند و کثرت هم دارند، این کثرت بدون عامل نخواهد بود و این کثرت، کثرتی حقیقی است که بازگشت به وحدت می‌کند، پس حقیقت وجود دارای کثرت تشکیکی نیز هست.

بنابر این همانطور که وحدت مفهوم کاشف از وحدت حقیقت است، کثرت مصداق هم نشانه امتیاز آنها از یکدیگر است زیرا بدون تمایز هرگز کثرت حاصل نمی‌شود و چون، کثرت مصادیق وجود به وحدت برمی‌گردد به ناچار نحوه تمایز از سنخ اصل حقیقت وجود خواهد بود مثلاً یکی در حقیقت وجود کامل است و دیگری ناقص، یکی غنی است و دیگری فقیر، یکی علت است و دیگری معلول.

خلاصه کلام اینکه چون مفهوم وجود بعنوان مرات و حاکی از حقیقت وجود دارای وحدت معناست و به صورت تشکیکی بر مصادیق خود دلالت می‌کند، در نتیجه، انتزاع مفهوم واحد از حقایق گوناگون به ملاک و معیاری نیاز دارد و باید در این حقایق گوناگون حیثیت واحدی باشد تا انتزاع مفهوم واحد از این حقایق گوناگون صحیح باشد در غیر این صورت باید بتوان هر مفهومی را از هر مصداقی انتزاع کرد در حالی که این خلاف برهان و وجدان است. بنابراین وجودات عینی دارای ماهه الاشتراک خارجی می‌باشند که همین ماهه الاشتراک مصحح حمل این مفهوم بر آن مصادیق است، اما اینکه در بین وجودات عینی تمایز نیز می‌باشد قادح به حیثیت مشترک آنها نیست بلکه حیثیت امتیاز عین حیثیت اشتراک است. پس یک حقیقت وجود است که هم خود عامل اشتراک است و هم عامل امتیاز چون دارای وحدت و کثرت تشکیکی است.

در قسمت دوم مقاله انشاء... دلایل دیگر اثبات وحدت تشکیکی و همچنین نظرات اندیشمندان جدید مطرح خواهد شد.

منابع

- ۱- شرح حال و آراء فلسفی ملاصدرا
 - ۲- اسفار اربعه
 - ۳- شواهد الربوبیه
 - ۴- مشاعر
 - ۵- قواعد کلی در فلسفه اسلامی
 - ۶- شهاب‌الدین سهروردی
 - ۷- حکمت متعالیه
 - ۸- نهاية الحکمه
 - ۹- شرح مبسوط منظومه
 - ۱۰- اصول فلسفه و روش رئالیسم
 - ۱۱- آموزش فلسفه
 - ۱۲- توحید علمی و عینی
 - ۱۳- تاریخ فلسفه اسلامی
 - ۱۴- مهردادابان
 - ۱۵- مبانی عرفان اسلامی
 - ۱۶- فلسفه عرفان
- سید جلال آشتیانی
ملاصدرا
- غلامحسین ابراهیمی دینانی
سید جعفر سجادی
عبدالله جوادی املی
سید محمدحسین طباطبایی
شهید مرتضی مطهری
سید محمدحسین طباطبایی
محمدتقی مصباح یزدی
سید محمدحسین حسینی طهرانی
هانری کربن
سید محمدحسین طباطبایی
علامه سید محمدتقی مدرس. ترجمه محمد جعفر صدیقی
دکتر سیدیحیی یثربی
- 
- پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی



پروہشگاہ علوم انسانی و مطالعات فرہنگی
پرتال جامع علوم انسانی